

## بررسی اجرای علنی مجازاتها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳

محمد جواد پورحسینی \*

سید مهدی قریشی \*\*

محمد حسن جوادی \*\*\*

### چکیده

اجرای علنی مجازات بر مبنای اصول و اسلوب قواعد سنجش پذیر بنا نشده است و در عمل به بازدارندگی و کنترل جرایم منجر نشده است؛ از همین روست که نشانه‌هایی از عوام‌گرایی کیفری در آن قابل مشاهده است؛ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۹۹ ممنوعیت اجرای علنی مجازات را اصل و خلاف آن را استثنا و مستلزم وجود الزامات قانونی و مصلحت سنجی‌های قضایی کرده است؛ اجرای علنی مجازات از نظر علم کیفرشناسی آسیب‌های مستقیمی بر خانواده فرد مجازات شده داشته؛ با این اوصاف نه تنها موجب بازگشت وی به عنوان یک انسان صالح به جامعه نمی‌شود، بلکه تجربه یک بار تحقیر و خواری او را برای ارتکاب جرائم بعدی جسورتر ساخته و در نتیجه وی دیگر واهمه‌ای از اجرای مجازات در علن ندارد چرا که شخصیت و پایگاه اجتماعی قبلی خود را از دست رفته تلقی می‌کند؛ از نظر فقهی عقاید مختلف و متفاوتی در زمینه اجرای علنی یا اجرای مخفیانه مجازات‌ها اذعان شده است؛ به نظر نگارنده در تحلیل اجرای علنی یا اجرای مخفیانه مجازات‌ها باید اذعان داشت که مصلحت اسلام و مسلمین در اجرای کیفر مدنظر قرار گیرد و اساساً بر پایه مصلحت عمل شود؛ مثلاً هرگاه اجرای علنی مجازاتی موجب وهن اسلام و نظام اسلامی باشد؛ باید از اجرای آشکار مجازات جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: مجازات، ملاء عام، عوام‌گرایی کیفری، بازدارندگی، اسلام، کیفرشناسی.

\* فارغ‌التحصیل دکتری فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه ارومیه (پردیس) و عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) Pourhosseini1551@yahoo.com

sm.ghoreishiurmia.ac.ir

\*\* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

Mh.javadi@urmia.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

## مقدمه

اجرای احکام، آخرین مرحله دادرسی‌های کیفری محسوب می‌شود و در حقیقت تمام تلاش‌ها و کوشش‌های مراجع کیفری در جهت این است که حکم صادره به اجراء درآید. اجرای احکام کیفری دقت زیادی را می‌طلبد، چرا که در صورت وجود اشتباه، جبران آن اغلب غیرممکن و محال می‌باشد، لذا چنانچه حکم صادر شده به موقع اجراء گذاشته نشود و یا در اعمال آن مطالعات و دستاوردهای علوم انسانی روش‌های صحیح تربیتی و آموزشی مد نظر قرار نگیرد تمام تلاش‌ها و کوشش‌های مراجع کیفری بی‌ثمر مانده و از دادرسی‌های کیفری بهره واقعی به دست نخواهد آمد (باختر، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

از آنجا که مرحله اجرای احکام کیفری اهمیت فراوان و درخور توجهی دارد، امروزه اجرای احکام رفته رفته به صورت رشته مستقلی درآمده و حتی برخی کشورها قاضی ویژه‌ای به نام «قاضی اجرای احکام» با تجربه، تبحر و تخصص لازم، مسئولیت اجرای احکام و نظارت بر اجرای کیفرها را بر عهده داشته و از اختیارات و امتیازات بسیاری نیز برخوردار می‌باشد.

یکی از مسائل مربوط بر اجرای مجازات‌ها، اجرای علنی یا غیرعلنی آنها می‌باشد که از چندی پیش محل بحث و مناقشه فراوان قرار گرفته و بازتاب‌های گسترده داخلی و بین‌المللی را به همراه داشته است، لذا ما در این پژوهش به تأثیر مقتضیات زمان و مکان و تغییر مصالح و مفاسد و نیز تغییر ملاکات احکام، در برخی احکام شرعی احکام بر اجرای مجازات‌ها پرداخته و همچنین برآنیم که با بررسی پیرامون آثار فردی و اجتماعی اجرای علنی کیفرها، ضمن برشمردن آثار مثبت و منفی آن مشخص نماییم که اهداف و مقاصد مورد نظر از اجرای علنی کیفرها تا چه حد به منصفه ظهور رسیده است. و بالاخره به این امر اشاره نماییم که، استفاده از مطالعات و دستاوردهای علوم جرم‌شناسی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و ... و نیز در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، شخصیت بزهکار، بافت اجتماعی و فرهنگ و افکار حاکم بر هر جامعه در خصوص انتخاب نوع و شیوه اجرای مجازات به چه میزانی ما را در جهت برخورداری از یک سیاست کیفری پیشرفته و پویا کمک می‌نماید.

از آنجا که کیفرها جهت مصالحی وضع و تشریح شده اند و این مصالح بعضاً با

توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و سایر شرایط، غالباً متغییر هستند لذا منطقی و عاقلانه است که با تغییر مصالح به تبع آن کیفرها و شیوه اجرای آنها نیز باید تغییر نمایند. و تنها مطالعه آثار و پیامدهای کیفرها و سایر احکام مربوط به آنها بویژه اجرای آن با توجه به شرایط زمانی و مکانی، شیوه‌های اجرای آنها در نظر گرفته محقق گشته است یا خیر؟

یکی از مسائل حاکم بر مجازات‌ها اجرای علنی یا غیرعلنی آنها می باشد. در این مورد اتفاق نظری وجود ندارد و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده که هر کدام دلیل و اهدافی را در جهت اثبات نظر خویش بیان می دارند. ولی باید گفت که صرفاً با مطالعه آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی اجرای علنی کیفر، با استفاده از مطالعات علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و ... است که می توان با توجه به شرایط زمان و مکان و در نظر گرفتن فرهنگ و افکار عمومی هر جامعه راجع به این امر تصمیم مقتضی را اتخاذ کرد.

بنابراین صرف در نظر گرفتن اهداف و مقاصد اجرای علنی یا غیر علنی کیفرها، بدون در نظر گرفتن آثار و پیامدهای آن کاری عبث و بیهوده و بیانگر ضعف و ناکارآمدی سیاست کیفری می باشد. از چندی پیش با توجه به تبلیغات محافل و رسانه های خارجی و به دنبال آن مخدوش شدن چهره بین المللی اسلام و مسلمین به جهت اجرای برخی مجازات‌های اسلامی بویژه اجرای آنها در ملاء عام این موضوع مدنظر مطبوعات و محافل داخلی قرار گرفته و مطالب و مقالات بسیاری در این خصوص نوشته شد و همچنین همایش‌ها و نشست‌های متعددی پیرامون آن برگزار گردید.

آنچه در این میان همواره محل تأمل بوده، مبانی، ضوابط، ضرورت و آثار اجرای علنی مجازات به خصوص اجرای علنی مجازات‌ها سالب حیات بوده است؛ بی‌شک در اجرای احکام کیفری حدود، موضوع اجازه اجرای حدود در زمان غیبت و دیگر مبانی فقهی مانند قاعده حرمت تنفیر و حرمت وهن دین نیز مورد توجه است. هرچند گاهی مباحث بعضاً سیاسی بر این موضوع سایه افکنده و در سال‌های اخیر اجرای علنی مجازات‌ها سالب حیات همواره با سایه‌ای از اهداف و انگیزه‌های نهادی و سازمانی در راستای تحکیم عملکرد و اثبات قاطعیت در مقابله با جرایم و اجرای مجازات و ادعای بازدارندگی خاص و عام آنها رو به فزونی گذاشته است، لیکن بر خلاف رویه برخی

کشورهای دیگر، تحقیق علمی و جامعی در خصوص تحقق این اهداف صورت نگرفته و به نظر می‌رسد ادعاهای مسئولان قضایی و پلیسی نیز در خصوص اثرگذاری خاص اجرای علنی مجازات بر کاهش یا توقف جرایم به طور کلی یا در بازه زمانی مشخص، مستند به دلایل و مدارک علمی و معتبر نیست؛ هرچند به نظر می‌سد این روند در سال-های اخیر به سمت نوعی اعتدال و واقع بینی سوق یافته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، اجرای علنی مجازات ممنوع اعلام شد؛ در این مقاله‌نگارندگان ضمن بررسی مبانی اجرای علنی مجازات؛ نظریات جرم‌شناسی؛ جامعه‌شناسی جنایی به آثار اجرای علنی مجازات خواهند پرداخت.

#### ۱. مفهوم اجرای علنی مجازات در سیاست کیفری

دقت در معنی دو واژه «علن» و «ملاءعام» است؛ برخی محققان با وجود تراد ظاهری این دو لغت به تفاوت دقیقی از آن را بدین صورت اشاره کرده‌اند که لغت «علن» به معنای ظاهر و آشکار کردن امری در محل خاصی بدون این که مانعی برای حضور افراد در آن محل ایجاد شود و «ملاءعام» به معنای محل آمد و شد مردم از جمله میادین، کوچه و بازار و مراکز شهر است (نوفرستی، ۱۳۸۳، ص ۶۶) با این توصیف می‌توان گفت که اجرای حدود علنی سیره نبوی و حضرت علی ع نیز از لحاظ مکانی با وضعیت کنونی تفاوت دقیقی دارد، بدین صورت که محل اجرای حدود علنی در صحن خیابان و بازار نبوده بلکه مکانی مشخص از شهر بوده درحالی‌که اجرای کنونی علنی مجازات در مکان‌های عمومی شهر همچون چهارراه‌ها و میادین یا مراکز تجمع مردم به صورتی است که تجمع در محل می‌تواند به صورت تصادفی، رهگذری و با هر نوع سن و جنسی از تماشاگران باشد.

در این معنا، دیگر نمی‌توان اجرای علنی مجازات را به معنای فراخوان عمومی یا دعوت از مردم برای حضور در صحن اجرای حکم و تماشای چگونگی تحمیل مجازات به محکومان دانست. بر این اساس اجرای علنی مجازات منطقی‌اً باید به معنای اجرای آشکار حکم کیفری در محلی باشد که مانعی برای حضور افراد در آن وجود ندارد؛ در اجرای مجازات نیازی به اعلان عمومی برای حضور بی‌قید و شرط تماشاگران یا بردن مراسم اجرای مجازات به مکان‌های معد برای حضور عامی

شهروندان بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های روحی و روانی یا شاخص‌هایی همچون سن و جنس، به خصوص حضور اطفال و کودکان وجود ندارد؛ در چنین حالتی اثر اصلی اجرای مجازات که جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم یا گناه است، نه تنها تأمین نشده، بلکه ممکن است موجبات تجری برخی ناظران و شاهدان مستعد ارتکاب جرم را هم فراهم آورده؛ قانونگذار در ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری را جز به تشخیص دادگاه ممنوع اعلام کرده و این در حالی است که حضور در صحن اجرای مجازات و خصوصاً نظاره لحظات جان دادن مجرم به مراتب سنگین‌تر و شدیدتر حضور در محکمه است؛ هرچند مقنن در این خصوص منعی قرار نداده است، اصل اولویت و عقل حکم می‌کند در شرایط اجرای علنی نیز این ممنوعیت و محدودیت باید توسط مجریان حکم اعمال شود (امیدی و عطوف، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴).

## ۲. مشروعیت یا عدم مشروعیت اجرای علنی مجازات در مکتب اسلام از دیدگاه فقهاء

نگارنده در پی پاسخگویی به این سوال اساسی است که اجرای علنی مجازات در مکتب اسلام مشروعیت دارد یا اینکه بدعت در دین محسوب می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که در اصل مشروعیت اجرای آشکار حدود، هیچ گونه تردیدی نیست و در میان فقها نیز نسبت به مشروعیت این مسأله هیچ گونه اختلاف نظری وجود ندارد زیرا هم نص صریح قرآن در این رابطه وجود دارد و هم در سیره معصومین علیهم السلام این عمل تحقق یافته است؛ ولی در برخی از مجازات‌ها و اهداف پیش روی آن‌ها اجرای علنی مجازات‌ها بین فقیهان دارای اختلاف است.

در قرآن نسبت به مجازات فرد زنا کار آمده است: «وليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲)». «یعنی: باید طایفه‌ای از مؤمنین در مجازات فرد زانی و زانیه، حاضر و ناظر باشند و این حضور چیزی جز علنی بودن مجازات نیست. حتی برخی از فقها به دلالت جمله «وليشهد» که صیغه امر و دستور است، حضور طایفه‌ای از مؤمنین را واجب می‌دانند (شهید ثانی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۹۵) زیرا صیغه امر، طبق قاعده در وجوب ظهور دارد و اصل در آن، وجوب است.

اما در سیره معصومین علیهم السلام نیز در روایتی آمده است که علی علیه السلام نه

تنها مردم را از اجرای حد آگاه می‌ساخت، بلکه به آنها دستور می‌داد تا در مراسم اجرای حد شرکت نمایند. طبق برخی از روایات، وقتی آن حضرت تصمیم گرفت حد را بر مردی که به زنا اقرار کرده بود، اجرا کند، با فریاد بلند اعلام فرمود: «یا معشر المسلمین اخرجوا ليقام علی هذا، الحد و لا يعرفن احدکم صاحبه فاخرجه الی الجبان...» یعنی: ای جمعیت مسلمین، بیرون بیایید تا بر این مرد زنا کار، حد جاری شود و به گونه ای بیرون بیایید که کسی شما را نشناسد (تا اگر حد مشابهی بر گردن شما بود و به خاطر آن از شرکت در اجرای حد ممنوع بودید، نزد دیگران آبروی شما محفوظ بماند) سپس علی علیه السلام آن مرد را به سوی میدان وسیعی کشاند تا حد را در ملا عام اجرا نماید (ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۴۸)؛ همچنین وقتی تصمیم داشت بر زنی که به گناه اقرار کرده بود، حد اجرا کند، غلام خود قنبر را امر کرد تا مردم را برای نماز جماعت گرد هم آورد و سپس خود آن حضرت بالای منبر رفت و فرمود: «ای مردم، همانا امام شما این زن را در این وقت ظهر، به این جا آورد تا به خاطر خدا (و برای تربیت مجرم) بر او حد جاری نماید و علاوه بر این اگر اجرای حدود در ملا عام، باعث عبرت و پند بینندگان شود، این کار به مصلحت نزدیکتر و سزاوارتر خواهد بود و شاید به همین دلیل، گاه علی علیه السلام اجرای حد را به روز جمعه تاخیر می‌انداخت، تا حکم الهی در میان اجتماع انبوه مردم به اجرا گذاشته شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۴۸).

نتیجه این که اجرای آشکار مجازات را نمی‌توان کاری غیر مشروع و بدعت در دین دانست، بلکه این عمل، مورد تصریح قرآن بوده و در سیره معصومین علیهم السلام نیز وجود داشته است ولی فقهای اسلامی با استناد به کتاب و سنت، بعضی قائل به وجوب و برخی قائل به استحباب اجرای علنی حدود شده‌اند و در این باب بین فقهای اسلام اختلاف عقیده وجود دارد؛ حتی بعضی از فقهای معاصر نیز اجرای علنی مجازات را جایز ندانسته‌اند؛ در ادامه به تفصیل به شرح و بسط این نظرات خواهیم پرداخت.

## ۲-۱. دیدگاه قائلین به وجوب

قائلین به این دیدگاه اعتقاد به وجوب اجرای علنی کیفر دارند؛ از جمله آن که برخی از فقهای محترم؛ حضور جمعی از مومنین را به هنگام اجرای حد در جرایم خاصی مانند زنا برای اعمال کیفر شلاق و رجم زانی یا زانیه؛ واجب می‌دانند و مستند این وجوب را

آیه دوم سوره مبارکه «نور» اعلام می‌نمایند.

شیخ طوسی در این زمینه معتقدند: «هرگاه ولی درصدد اجرای حد جلد یا رجم بر زانی باشد باید مردم را جهت حضور در صحنه اجرا دعوت کند، سپس در حضور آنان اجرای حد نماید، تا مردم با دیدن اجرای حد از ارتکاب بزه مشابه خودداری نمایند» (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ ه.ق، ص ۷۰۱). وی در تأیید این نظر به آیه: «و باید عذاب آن دو را طایفه ای از مؤمنین مشاهده نمایند» استناد می‌کنند فعل امر (لشهد) را به معنای وجوب گرفته‌اند (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲).

آیت الله سید احمد خوانساری نیز فعل امر (لشهد) را به معنای وجوب گرفته و گفته است: «آگاه ساختن مردم از زمان اجرای حد و دعوت آنان به حضور واجب است او می‌فرماید: «بدیهی است که روایت، ظهور در وجوب دارد و حمل آن با استحباب محتاج به دلیل است؛ الا اینکه وجوب بر تمام مسلمین بار نمی‌شود بلکه به نحو واجب کفایی است» (خوانساری، ۱۳۹۴ ه.ق، ج ۵، ص ۵۳).

از میان فقهای معاصر؛ آیت الله گلپایگانی نیز بر این باورند: «اجرای حدود در ملاً عام جایز است، اما در مورد اجرای حد زنا، حضور بعضی از مؤمنین واجب است.» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۵)؛ آیت الله فاضل لنکرانی با تأکید بر وجوب، خاطر نشان می‌سازند که: «در این مورد از نظر فقهی، تصریح قرآن است که باید طائفه‌ای از مؤمنین ناظر اجرای حد باشند و این طایفه بر عده کم و زیاد قایل تطبیق است؛ البته حتی برخی قائل هستند به اینکه این وجوب، بر یک نفر هم صدق می‌کند (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶).

آیت الله مکارم شیرازی اعتقاد دارند: «در مواردی که جرم و جنایت علنی شد و افکار عمومی جریحه دار می‌شود؛ واجب است که مجازات علنی باشد تا جبران گردد؛ ولی موارد دیگر وجوبی ندارد جز در مورد حد تازیانه که واجب است جماعتی هر چند کم آن را ببینند.» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷).

## ۲-۲. دیدگاه قائلین به استحباب

شهید ثانی دعوت مردم جهت اجرای حد را حمل بر استحباب نموده و می‌گوید: «این که مصنف (شهید اول در کتاب لمعه) گفته است: شایسته است حکم مزبور

بر وجه استحباب باشد، یعنی مستحب است مردم را برای سنگسار مجرم آگاه سازند و وقت رجم را تعیین کنند تا اولاً در آن زمان حاضر شده و ثانياً از رؤیت منظره مجنی عبرت گیرند تا اگر مثل فعل او را مرتکب شده یا اراده انجام آنرا دارند از آن منزجر و مرتدع شوند. ایشان دلیل دیگر حمل روایات بر استحباب را آیه: «و باید مشاهده کنند عذاب آن دو جماعتی از مردم» و اضافه می‌نماید «اصل، مقتضی عدم وجوب است» (شهید ثانی، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۴۹).

برخی از فقهای معاصر پس از آنکه کلمه‌ی «ملاء عام» را در اجرای حد فاقد مستند فقهی و شرعی اعلام کرده و در تفسیر آیه دو سوره نور اشاره می‌کنند: «خوب ممکن است افرادی که به تفسیر مراجعه نکرده‌اند به کلمات فقها مراجعه نکرده‌اند بگویند از این آیه استفاده می‌شود که حد زنا باید در ملاء عام باشد یعنی زنی را بیاورند توی بازار و خیابان و شلاق بزنند عده‌ای می‌فرمایند: «لشهد» از آن وجوب فهمیده می‌شود، دلالت بر وجوب می‌کند مانند محقق حلی در شرایع یا مختصرالنافع، اما بیشتر فقها مانند شیخ الطوسی با جماعت بسیاری حضور مؤمنان را در اجرای حد زنا مستحب دانسته‌اند» (مرعشی، ۱۳۸۲، ص ۹).

از میان فقهای معاصر، آیت‌الله محمدتقی بهجت نیز معتقدند: «اعلام مردم برای حضور در وقت اقامه حد زنا امری مستحب است» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶). آیت‌الله نوری همدانی نمایش عمومی مجازات‌های حدی را بسته به نظر حاکم می‌داند (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷).

دسته‌ای از فقها به لحاظ عدم کفایت ادله و ناتمام دانستن آن «اعلام» را امری مباح دانسته‌اند؛ نظیر آیت‌الله خویی که با اعتقاد به استحسان اعلام می‌گوید: «شایسته است برای اقامه حد (زنا) مردم آگاه شوند» (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۰).

## ۲-۳. دیدگاه قائلین به عدم جواز

بر خلاف نظرات فوق برخی از محققان و فقیهان درباره علنی بودن مجازات معتقدند: «آیه‌ای که در قرآن سند علنی بودن اجرای حد است؛ در مقام بیان جواز علنی بودن نیست؛ بلکه قضیه این است که این کار اجرا شود و چند نفری هم شهادت دهند. بنابراین در بحث ملاء عام، عبرت و ارعاب انگیزی در کار نیست، بلکه قضیه این است



که این کار اجرا شود و چند نفری هم شهادت دهند؛ بنابراین در بحث ملاء عام، عبرت و ارعاب انگیزی در کار نیست (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۲۳). به تعبیر دیگر؛ حفظ آبروی یک انسان، جایگاه مهمی دارد؛ قدر متقین این است که اسلام هیچ وقت نمی‌خواهد اگر فردی مرتکب خطایی شده؛ آبروی او در ملاء عام برای همیشه برود؛ زیرا این امر با مذاق شرع سازگاری ندارد، آن هم شرعی که آبروی مسلمانان را مثل خونش محترم می‌داند و می‌خواهد آن را حفظ کند، لذا اجرای مجازات در ملاء عام مسلم نیست.

اکثر فقهای مذاهب اسلامی به صورت گذرا و با نهایت اختصار، اعلام حاکم و حضور مردم در اجرای کیفر را، به نحو وجوب یا استحباب مطلوب دانسته و به آیه دو سوره نور، روایات و بازدارندگی این عمل از ارتکاب جرایم، استدلال نموده‌اند. آیه دو سوره نور با دو قید «طائفه» و «مؤمنین» اخصاً از مدعای موافقان است و روایات نیز هریک دارای قرینه‌ای می‌باشند که نمی‌توان از آنها چنین مطلوبیتی را استفاده نمود و بازدارندگی دیدن صحنه مجازات در کاهش جرایم نیز ثابت نشده است. پس از رسیدن به حکم اولی موضوع، بررسی آثار و پیامدهای این عمل در دنیای امروز نیز ضروری است که می‌تواند حتی در فرض قبول مطلوبیت ادعایی در شرع، براساس مصالح، مانع آن گردد (اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

به نظر نگارنده در جمع دیدگاه‌های فوق باید اذعان داشت که در خصوص اجرای علنی یا اجرای مخفیانه مجازات‌ها، عقاید مختلف و متفاوت است؛ ضمن آنکه مصلحت اسلام و مسلمین در اجرای کیفر باید مدنظر قرار گیرد و اساساً بر پایه مصلحت عمل شود؛ مثلاً هرگاه اجرای علنی مجازاتی موجب وهن اسلام و نظام اسلامی باشد؛ باید از اجرای آشکار مجازات جلوگیری شود؛ طبعاً بحث مشروعیت یا عدم مشروعیت اجرای مجازات به صورت علنی صرفاً بر مبنای هدف بازدارندگی عام مطرح می‌شود؛ ضمن آنکه در میزان اثربخشی و عبرت آموزی آن جداً بین متخصصان علوم کیفرشناسی همانند فقهای اسلام محل تردید و مناقشه است و نکته حائز اهمیت این است که بحث اجرای علنی مجازات به معنای لزوم حضور عده زیادی از افراد در صحنه اجرای مجازات نیست و همچنین اجرای علنی مجازات با اجرای مجازات در ملاء عام متفاوت است.

### ۳. آثار فردی اجرای علنی مجازات‌ها از نگاه علم کیفرشناسی

در این گفتار نگارندگان به تبیین آثار فردی اجرای علنی مجازات از بعد فردی خواهند پرداخت.

#### ۳-۱. آثار مثبت فردی اجرای علنی مجازات‌ها

##### ۳-۱-۱. ارباب و بازدارندگی فردی

یکی از اهداف مجازات‌ها که از قدیم از ناحیه زمامداران و دولتها مورد توجه و عنایت بسیار بوده است، ارباب انگیزی کیفرها از طریق اجرای آنها در ملاء عام می باشد، تا از آن طریق ارتکاب مجدد جرم توسط بزهکاران<sup>۱</sup> جلوگیری به عمل آمده و همچنین موجب شود که سایر بزهکاران احتمالی که اندیشه ارتکاب جرم را در سر می پروراندن مرعوب گردیده، و از دست زدن به ارتکاب بزه منصرف گردند. باید گفت که اکنون گرچه از اهمیت اثر ارباب و بازدارندگی کیفرها کاسته شده است، ولی به هیچ وجه از بین نرفته است. مطالعات جرم‌شناسی ثابت کرده است که از نظر پیشگیری اختصاصی اثر ترساندن برای بازدارندگی از تکرار جرم توسط مجرمین موثر بوده است:

برخی معتقدند که اجرای علنی کیفرها با ایجاد ترس در بزهکار موجب بازدارندگی و ترس از ارتکاب مجدد جرم می گردد، زیرا انسان هم مانند سایر حیوانات متأثر از فرآیند شرطی سازی بوده، و تجربه ها، دیده ها و شنیده های لذت بخش یا رنج آور گذشته در تعیین سلوک آتی موجود زنده بخش اساسی دارند و با اجرای کیفر در ملاء عام علاوه بر شرطی کردن تماشاگران به حادثه منجر به اجرای کیفر، خود فرد مجرم را نیز از تقویت مثبت، رهایی می بخشد. و او منظره خفت بار اجرای کیفر را با جرم خود تداومی می کند، لذا این امر باعث می شود که وی به راحتی در مقابل تحریکات و وسوسه های شیطانی تسلیم نشده و مرتکب جرم نگردد (رشیدی لریستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۹) بنابراین فردی که در انتظار عمومی شرمسار گشته و آبرویش ریخته شود دیگر جرأت بر تکرار جرم را نداشته و حتی از فکر انجام دوباره بزه نیز دچار وحشت می شود.

##### ۳-۱-۲. تنبیه و اصلاح بزهکار

عده ای معتقدند که اجرای علنی کیفرها؛ بویژه حدود الهی موجب تطهیر و اصلاح

شخص بزهکار می‌شود (نهای، ۱۳۸۰، ص ۸۹) و در واقع بزهکار پس از تحمّل مجازات در ملاء عام بعنوان کفّاره گناه خود، سعی در اصلاح و بازسازی خویش می‌نماید. بسیاری از علمای حقوق جزا و جرم‌شناسی نه تنها این دیدگاه را قبول ندارند، بلکه حتی معتقدند که اجرای کیفر بطور آشکارا و در منظر عموم، زمینه اصلاح بزهکار را تا حد زیادی از بین می‌برد، البته در این مورد بعداً بطور مفصّل بحث خواهد شد.

### ۲-۳. آثار منفی فردی اجرای علنی مجازات‌ها

#### ۳-۲-۱. از بین بردن زمینه اصلاح و بازپروری بزهکار

وظیفه اصلاح و یا وارد کردن مجدد مجرم به جامعه ابتدا از طرف پیروان دکترین دفاع اجتماعی جدید مطرح گردید و در پی آن اصلاح و بازسازی مجرم در سیاست کیفری کشورهایی که دارای نظام حقوقی پیشرفته‌ای هستند، مهمترین هدف مجازات‌ها قلمداد گردید اساس فلسفه اسلام و روح تمدن کهن ایرانی و اندیشه بزرگان و سخنوران ایرانی مبتنی بر اندیشه اصلاح و تربیت مجدد مجرم است که سخت موضوع محافل کنونی بین المللی جرم‌شناسی اجتماعی است (نجفی توانا و میلکی، ۱۳۹۲، ص ۹۶).

در تعالیم اسلام حتی توبه افراد، بعنوان فرصتی جهت بازگشت دوباره گناهکار و مجرم به جامعه، در مقابل آشکار کردن و اقرار به آن ترجیح دارد. امروزه نیز جرم‌شناسان به این مطلب اذعان دارند که، مجازاتی که از هدف اصلاح مجرمان غافل باشد کاری عبث و غیر انسانی خواهد بود.

حال با توجه به این مطالب، این سؤال پیش می‌آید که در صورت اجرای مجازات به صورت علنی آیا این امر زمینه اصلاح و بازسازی بزهکار را از بین نخواهد برد؟ و آیا اجرای کیفر در منظر عموم، بزهکار را جری‌تر و گستاخ‌تر از قبل نخواهد کرد؟ دستگاه قضایی مکلف است حقوق محکوم را هم همانگونه که حقوق متهم را لحاظ می‌کند، در نظر بگیرد. اجرای علنی مجازات آیا با حقوق محکوم منافات ندارد؟ وقتی ما مجازات را علناً اجرا می‌کنیم آیا می‌توان تضمین بدهیم که او اصلاح شده است؟

بدون شک تنها جامعه است که می‌تواند از سقوط مجدد و دائمی بزهکار جلوگیری کند لذا بازگشت دوباره مجرم به زندگی عادی نیازمند دقت و توجه فراوان در انتخاب مجازات‌ها و شیوه اجرای آنها می‌باشد.

انسانها در جامعه دارای حرمت، شخصیت آبرو هستند و از این نظر که انسانند. حفظ شوئن و اعتبارات آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در یک جامعه سالم نباید به سادگی، شخصیت افراد مورد حمله و صدمه قرار گیرد. آقای بولک می گوید: اگر در زمانهای گذشته به اجرای بعضی مجازاتها در ملاء عام یا به نمایش گذاشتن محکوم در میدانهای عمومی متوسل می شده اند، حقوق امروزی نیز ابایی از لطمه زدن به شهرت و مفتضح کردن مجرم ندارد. قانون جزای امروزی، با اعلان و وسایل امروزی اطلاع رسانی که شامل چاپ از طریق درج در روزنامه ها و پنخش از طریق رسانه های سمعی بصری (راديو - تلویزیون) می شود، متوسل می گردد.

بسیاری بر این اعتقادند که چنانچه اجرای کیفر در ملاء عام صورت گیرد به شخصیت، حیثیت و اعتبار بزهکار لطمه وارد شده و نه تنها موجب بازگشت او به عنوان یک انسان صالح به جامعه نمی شود، بلکه تجربه یک بار تحقیر و خواری او را برای ارتکاب جرائم بعدی جسورتر ساخته و در نتیجه وی دیگر واهمه ای از اجرای مجازات در علن ندارد چرا که شخصیت و پایگاه اجتماعی قبلی خود را از دست رفته تلقی می کند.

برای کسی که شخصیتش در برابر انبوهی از مؤمنان پایمال شده، اجتماعی شدن و از سر گرفتن زندگی عادی در جامعه چندان آسان نیست. امیرالمومنین (ع) نیز از اینکه جمع زیادی برای اجرای مراسم حد حاضر می شوند ابراز ناخرسندی می نمود (نوبهار، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶) حال اگر به عنوان مثال شخصی را که از احترام و منزلت اجتماعی خوبی در جامعه برخوردار است به علت شرب خمر در میدان عمومی یا مراکز پر رفت و آمد محل سکونتش تازیانه بزنند به اعتبار و حیثیت او در میان اطرافیان و آشنایان لطمه وارد نخواهد شد و آیا دیگر می توان به اصلاح و بازپروری او امیدوار بود؟

### ۳-۲-۲. ایجاد کینه و حس انتقام در بزهکار

با اجرای علنی کیفرها در جامعه عملاً با پاشیدن بذر کینه و حس انتقام در نهاد بزهکاران اقدام نموده و باعث به انحراف کشاندن آنان بسوی رفتارهای ناهنجارتر خواهیم شد، لذا باید اعتراف نمود که اجرای مجازات بصورت علنی و بدون استفاده از مطالعات روانشناسی و جامعه شناسی نه تنها ریشه بزهکاری را خشک نمی گرداند

بلکه خود جرم آفرین خواهد بود. بدین جهت است که گفته شده، مجازات نباید واکنشی بر علیه بدی باشد زیرا هم بی عدالتی است و هم جرم آفرین است. (مظلومان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱) چه بسا دیده شده که، برخی از مجرمین خود را بی گناه شمرده و جامعه را مسئول جرائم خود می شناسند؛ لذا مجازات را یک بی عدالتی در حق خود تلقی نموده و پس از آن که در انظار عموم خوار و ضعیف شده و شرافت، حیثیت و اعتبار خود را از دست رفته می بینند، آتش کینه و انتقام در وجود آنها شعله ور شده، در نتیجه این امر ایشان را به سوی ارتکاب جرائم خشونت بارتر تحریک می کند.

#### ۴. آثار اجتماعی اجرای علنی مجازات‌ها از نگاه علم کیفرشناسی

در این گفتار نگارندگان به تبیین آثار جمعی اجرای علنی مجازات از بعد فردی خواهند پرداخت.

##### ۴-۱. آثار اجتماعی مثبت اجرای علنی مجازات‌ها

###### ۴-۱-۱. ارباب و بازدارندگی عمومی

از گذشته اعتقاد به نقش و قدرت ارباب انگیزی و بازدارندگی جمعی از طریق نمایش عذاب و رنج بسیار شدید حاصل از اجرای مجازات‌ها وجود داشته و هنوز نیز کسانی هستند که این دیدگاه را پذیرفته و از آن حمایت می کنند. فقها نیز به بحث « زجر » اشاره کرده اند و برای جنبه بازدارندگی آن، قانون و فقه ابتکار عمل را به دست قاضی سپرده است. (میزگرد اجرای علنی حدود و پیامدهای آن، ۱۳۸۰، ص ۱۴) تحمل ننگ و خواری که شخص کرامت انسانی و ارج و منزلت خود را از دست خواهد داد و همچون چهارپایان در برابر انظار عمومی تازیانه خواهد خورد و یا به دست مردم سنگسار خواهد شد و یا موی سرش را می تراشند، به مراتب از تنبیه بدنی برایش سنگین تر خواهد بود و بیشتر این نیروی درونی، وی را از ارتکاب گناه و جنایت باز خواهد داشت. امروزه حقوقدانان این روش را بهترین و موفق ترین راه برای کیفر شناخته می گویند: « باید به طبیعت تاسی کنیم که حجلت را مانند یک بلیه برای مردم قرار داده و بزرگترین قسمت مجازات را ننگ تحمل مجازات قرار بدهیم» (مخدومی، ۱۳۹۳، ص ۵۱).

اغلب ارعاب و بازدارندگی را مهمترین اثر اجرای علنی کیفرهایی می دانند بطوری که فیلانثیری<sup>۲</sup> قرن ۱۸ در کتاب خود تحت عنوان «علم قانونگذاری، می گوید: «وجود مجازات در دور نگهداشتن انسانها از جرم، از طریق نمایش رنج و عذاب‌هایی که در صورت ارتکاب آن نصیبشان خواهد شد، توجیه می‌گردد. (ژان پرادل، ۱۳۹۳، ص ۵۸). درنهایت، باید گفت که اثر ارعابی یا بازدارندگی حاصل از اجرای علنی کیفرها با توجه به ازمنه و امکان، مختلف و متغیر بوده و نمی‌توان آثار و نتایج آن را در یک اجتماع در مدت زمانی خاص بطور کل در همه موارد تعمیم داد. لذا در مورد تأثیر مثبت یا منفی اجرای علنی کیفر باید شرایط و مقتضات زمانی و مکانی و فرهنگ و افکار عمومی هر جامعه را بطور مجزا مورد توجه قرار دهیم.

#### ۴-۱-۲. اصلاح جامعه

برخی معتقدند که اجرای علنی کیفرها آثار و برکات فراوانی داشته و به برپایی یک جامعه صالح و اجتماعی که تمام افرادش در چهارچوب وظایف شرعی و قانونی خود عمل می‌کنند، کمک نموده و همچنین موجبات ثبات و تأمین امنیت اجتماعی را فراهم می‌آورد، لذا منحصراً در سایه اجرای علنی کیفر، بویژه اجرای در محل ارتکاب جرائم است که می‌توان امیدواربود احساس عدم امنیت و نظم مختل یافته حاصله از ارتکاب بزه از بین رفته و دوباره شرایط به حالت عادی قبل از ارتکاب جرم بازمی‌گردد. (گودرزی پور، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

#### ۴-۱-۳. جلوگیری از شایعه‌سازی و افراط و تفریط در اجرای کیفرها

اجرای علنی کیفرها باب سوء استفاده و تبعیض در قانون و اجرای مجازات وابسته و دستگاه قضایی، بویژه قضات و مأموران اجرای احکام را از اتهام اخذ رشوه، پارتی بازی، و سایر سوء استفاده‌های غیر قانونی مبری می‌سازند برخی معتقدند که علت علنی بودن اجرای اعدام یک نوع تضمین اجرایی است؛ در صورتیکه اجازه داده شود در اطلاق در بسته حکم را اجرا کنند از کجا معلوم می‌شود که واقعاً حکم اجرا شده؟ بخصوص وقتی که محکوم علیه شخص مقمول و معروف باشد ممکن است یک محکوم به اعدام دیگری را به جہتی از جہات در اجرای مجازات او تأخیر شد. بجای

آن شخص مقوم اعدام کنند و موجبات نجات مجرم حقیقی را فراهم سازند (گودرزی پور، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

چه بسا افرادی که به جهت کینه و دشمنی و همچنین بهره برداریهای سیاسی، قصد تشویش اذهان عمومی و لطمه زدن به سیستم قضایی کشور نموده و موجبات بی اعتمادی اجتماع را از نظام قضایی کشور فراهم آورند. و نیز گفته می شود که با اجرای کیفر در ملاء عام دیگر مجریان و مأموران اجرای احکام قادر به تغییر در کم و کیف مجازات و سایر تخلفات ناشی از اجراء نیستند.

در مقابل گفته می شود که اجتماع بی نظم و خسته کننده میدان عمومی، حکم مجازات بطور علنی در حضور جمعی از اشخاص معین و صاحبان مقام رسمی اجرا شود و قواعدی که از حیث تنظیم صورتمجلس اجرایی و توضیح خصوصیات و رعایت احتیاطات لازم برای اجرای علنی مجازات مقرر است هر نوع سوء ظنی را مرتفع می سازد. بخصوص اگر برای شرکت در جلسه اجرای حکم اشخاص موثق و معلومی که مورد اعتماد عموم مردم نیز می باشند. دعوت می شوند بعلاوه می توان با استفاده از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی با اطلاع رسانی درست و دقیق بطور غیر مستقیم، اسباب نظارت و پیگیری افراد جامعه را فراهم آورد.

#### ۴-۱-۴. نمایش قبح جرم به جامعه و پیشگیری از تعطیل کیفرها

بدیهی است که یکی از اهداف مجازات تأثیر نمادین آنهاست. به این معنی که چگونگی و میزان مجازات و درجه قبح عمل مجرمانه را از نظر جامعه منعکس کرده و می تواند در دراز مدت بر قضاوت افراد جامعه در مورد هر جرم خاص اثر بگذارد. اجرای مجازات در علن در راستای پیشگیری عمومی، موجب آن می گردد که افراد جامعه خود را در زیر چتر حمایتی قانونگذار دیده و با ایمان به برخورد صریح و قاطع بازهکار، قبح و زشتی ارتکاب بزه را به خوبی درک نموده و از طرف دیگر صفت رسوا کنندگی به عنوان مجازات صحیح یک تقصیر باید برای مجازات حفظ شود. این صفت نشان می دهد که رفتار فرد نه تنها تأسف آور بلکه از نظر قبح اجتماعی قابل ملامت است. (استنافی برناربولک، ۱۳۷۷، ص ۶۰۶)

برخی معتقدند که الغاء قاعده علنی بودن کیفرها بویژه حدود الهی و اعدام موجب

لغو و تعطیل تدریجی اینگونه کیفرها از سیاست کیفری خواهد شد. در این زمینه گفته شده: «تعطیل حدود الهی در نظام های دینی با توجه به احساسات جوشان مذهبی به یکباره عملی نیست بلکه تدریجاً تحقق می یابد، مثلاً نخست اجرای حدود در خفا صورت می گیرد. بنابراین برای پیشگیری از تعطیل تدریجی حدود الهی باید بر اجرای علنی حدود پای فشرده. (حیدری، ۱۳۸۰، ص ۱۶)

#### ۴-۱-۵. شناساندن چهره واقعی بزهکار به اجتماع

جامعه درمقابل جرم انجام یافته آسیب دیده است و لذا آسیب زندگان نباید مصون از تحقیر اجتماعی باشند. این تحقیر، اجرای عدم توجه به مقرراتی است که جامعه به آنها احترام می گذارد و حریم آنها را محفوظ می دارد.

آیا نباید فردی را که قوانین و مقررات حاکم بر جامعه را زیر پا می گذارد رسوا نمود و آیا نباید نقاب از چهره بزهکار کنار زده تا زوایای تاریک شخصیت حقیقی او را برای همگان روشن ساخته تا دیگران به او اعتماد نکرده و در نتیجه بزهکار نتواند از اعتبار و شهرت کاذب خود سوء استفاده کند؟

برخی معتقدند انگشت نما کرده و رسوایی بزهکاران عین اجرای عدالت است. و لذا اقتضای عملکرد دستگاه عدالت کیفری این است که بین بزهکاری که به علت ضعف نفس شخص، ضعف ایمان و اراده مرتکب بزه شده است و سایر افراد جامعه که به قوانین، ارزشها و هنجارهای جامعه احترام گذاشته اند؛ تفاوت قایل شده و نگذاریم این دو گروه در جامعه از منزلت، پایگاه اجتماعی و سایر امکانات بطور یکسان برخوردار شوند. ولی در مقابل بسیاری از جرمشناسان معتقدند که از بین بردن حیثیت، اعتبار بزهکار و تحقیر وی که در نتیجه اجرای علنی مجازات حاصل می شود.

#### ۴-۱-۶. برقراری نظم و آرامش عمومی

اعمال عقوبت را باید به اطلاع دیگران رسانید با وقوف بر آن اثر تهدیدی کیفر حاصل شده و مردم جدیدت دستگاه عدالت جزایی را در مقابله با بزهکاری شاهد باشند، بنابراین شایسته است که مقامات قضایی، در مواردی از پیش، مردم را آگاه ساخته تا با حضور آنان اجرای کیفر انجام شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۸۲)



چنانچه جنایتی موجبات رعب و وحشت مردم را در یک شهر یا محله ای فراهم آورد. فقط در پرتو اجرای مجازات در انظار عموم آن شهر یا محل است که می توان امنیت و آرامش عمومی مختل یافته را بدانجا باز گرداند ، بسیار است مواردی که اجرای مجازات افراد در محوطه زندان اعتراضات شدید مردمی را برانگیخته ، و در نتیجه مردم دستگاه قضایی را مورد شماتت و انتقاد قرار داده اند ، با اجرای مجازات بر کسی که باعث تزلزل «احساس عدالت» و پیدایش اضطراب در جامعه شده است ، دوباره این احساس که محدودیت ها ، عمومی و همگانی است قدرت می گیرد و افراد می توانند با آرامش روانی ، به حیات اجتماعی خود ادامه دهند . به علت همین مکانیسم روانی است که به هنگام ارتکاب جرم افراد جامعه سخت برانگیخته می شوند و تقاضای مجازات مجرمین را بعهده می گیرند یا در مراسم اجرای مجازات حضور می یابند و بدین ترتیب تعادل روانی که با ارتکاب جرم دستخوش تزلزل شده بود، بازگردد . انبوه جمعیتی که در سالهای پیش برای تماشای اعدام مجرمین در میدان سپه ، گرد می آمدند، نه بخاطر بی رحمی و عواطف غیر انسانی ، بلکه به علت همین مکانیسم روانی ، مدتهای مدید در ساعات اول صبح وقت صرف می کردند تا با منظره رقت بار حلق آویز کردن مجرم روبرو شود (گودرزی پور، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

#### ۴-۲. آثار اجتماعی منفی اجرای علنی مجازات‌ها

##### ۴-۲-۱. ترویج خشونت و از بین بردن روحیه رحم و شفقت

از نمایش صحنه های خونین و بی رحمانه و شقاوت آمیز باید جلوگیری نمود زیرا اینگونه صحنه ها روح بیننده را سرکش و وحشی بار می آورد . به قول لامارتین : « چرا باید این قدر مرگ را مانند یک فکر عالی ، چوبه مرگ را مانند یک وسیله مناسب و میز غضب را مانند یک توبه دهنده مردم ، مورد تقدیس قرارداد ؟ قوانین بی رحم و خون ریز ، خلیقات و روحيات را بی رحم و خون آشام می کند. (گسن، ۱۳۹۳، ص ۸۳) علاوه بر این اجرای مجازاتهای بدنی در انظار عموم موجب قساوت قلب مأمورین اجرای حکم و حتی مردمی که به تماشای صحنه اجرای مجازات آمده اند شد . و آنان را از خوی انسانی دور ساخته و طبع حساس و سریع التأثير جوانان را به خشونت عادت می دهد . منتسکیو (مظلومان ، ۱۳۸۴، ص ۴۴ ) در سالهای اخیر در حین اعدام

جنایتکارانی مثل « خفاش شب » در کشور خودمان شاهد بودیم که برای تماشای صحنه اعدام وی، بنا به گزارش جرایم، تعداد ۵۰ نفر در سحرگاهان به محل اجرای حکم رفته اند و فروشندگان مواد غذایی نیز با استفاده از این فرصت به عرضه متاع خود به جمعیت بیکار تماشا کننده مشغول بوده اند، آیا این گونه اشتیاق برای مشاهده یک صحنه اعدام در یک جامعه سالم قابل توجیه است؟ در نتیجه وجود همین اثرات منفی است که بسیاری از طرفداران مجازات اعدام هم اجرای آن را در ملاء عام بویژه در کوچه و بازار و میادین و در مقابل چشم کوچک و بزرگ، پیر و جوان و زن و مرد غیر قابل قبول و مضر می دانند.

#### ۴-۲-۲. اشاعه جرم در جامعه (جرم آفرینی)

در برخی موارد اجرای کیفر در علن و آگاهی از نحوه ارتکاب جرم توسط مجرمین حرفه ای موجب آشنایی سایر بزهکاران احتمالی با ترفندها و شیوه کار آنان می شود. مطابق برخی گزارش ها پس از اجرای اعدام های علنی گاهی جرائم مشابهی در سطح جامعه ارتکاب می یافتند. این موید آن می باشد که اعدام های علنی موجب آشنا شدن مجرمین بالقوه با جرائم جدید گردیده و خود یکی از طرق اشاعه جرم در جامعه می باشد. به علاوه، در برخی از موارد و برای بعضی از تماشاچیان، شخص محکوم به اعدام همچون یک قهرمان نمایشنامه خون آمیز جلوه می کند، و آنها در آینده سعی در تقلید کردن از او می کنند. برای مثال گفته شده است که یک مرد انگلیسی بنام مار جرم دختری را فقط به این انگیزه که اعدام شده و معروف شود کشته بود و دلیل ایجاد این انگیزه درونی نیز آن بود که او قبلاً یک صحنه اعدام را مشاهده کرده و فرد محکوم در نظر وی همچون قهرمانی بزرگ جلوه کرده است.

مجازات و نحوه اجرای آن، چنانچه متناسب با ارزشهای معتبر و منطبق با ارزشهای حاکم هر جامعه مغایر باشد، آن را غیر عادلانه دانسته و دیگر رغبتی به اجرای آن نشان نداده و به مرور، روح عدم اطاعت از آن و قانون شکنی در جامعه رایج خواهد شد و در یک کلام، تنبیه بزهکار باید کسانی که وسوسه تقلید از او را در سر می پروراندند به تأمل سودمند و مفید وادارد.

#### ۴-۲-۳. بروز طغیان و شورش عمومی

عده ای معتقدند که ، اجرای مجازاتهای بدنی در ملاء عام سبب بروز طغیان ، شورش عمومی و تهییج مردم علیه هیأت حاکمه شده و همچنین کشورهایی که اجرای مجازاتها به این شکل را تجویز کرده اند بیشتر دچار انقلاب و اغتشاش شده اند . لذا ایشان معتقدند اجرای کیفرها به طور علن باعث قیام وابستگان محکوم علیه ، افراد و اجتماع می گردد زیرا آنها بر خلاف محکوم کنندگان و مجریان قانون ، شخصیت مجرم را به خوبی می شناسند و به علت جرمش وقوف کامل دارند . و مختصاً اجرای چنین مجازاتی را در حق او دور از عدالت می دانند . البته بیشتر درگیریها و شورشها در هنگام اجرای کیفر در مورد مجرمین سیاسی که در میان مردم از محبوبیت و اعتبار بالایی برخوردار هستند و همچنین مواردی که مأمورین اجرای حکم خشونت به خروج داده ها و یا بی احتیاطی و اشتباهی از ناحیه ایشان رخ دهد . اتفاق می افتد . به عنوان مثال در سال ۱۸۶۴ شخصی بنام آدولف آبرگ<sup>۳</sup> در استکلهم محکوم به اعدام شد و در موقع اجرای مجازات چنان مقاومتی از خود نشان داد که با قوه قهریه او را به محل اعدام حاضر کردند ، این واقعه احساس شدیدی در حضار ایجاد کرد و پس از چند روز شرح و تفصیل ، قضیه را در جراید درج کردند و سپس در بازارهای مکاره شهر مردم پرده های نقاشی تهیه کرده بودند که نشان می داد سرفاتل را روی تخته اعدام گذارده اند که قطع نمایند و سه نفر شخصی مسلح او را با وضع فجیعی گرفته بودند . دیدن این منظره مردم را به هیجان می آورد و به عدالت بدبین می کرد و احترام به قانون را از بین می برد .

#### ۴-۲-۴. تغذیه روح بیمار برخی از افراد

امروزه در علم روانشناسی این مطالب به اثبات رسیده است که برخی از بیماران روحی و روانی از جمله ، سپادسیتماها با مشاهده رنج و آزار و اذیت هموعان خود احساس لذت نموده و به هیجان می آیند و حتی در مواردی این امر اسباب ارضای امیال درونی و بعضاً شهوانی برخی از افراد را فراهم می آورد (کی نیا، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۵۶) با وجود این امر ممکن است گفته شود که با اجرای مجازات در ملاء عام نه تنها نقش اثر ترغیبی و بازدارندگی مجازات رنگ می بازد بلکه عملاً روح بیمار این افراد و همچنین

کسانی که دارای استعدادهای نهفته و آمادگی نهایی برای ارتکاب بزهکاری می باشند را تغذیه می نمایم . البته تعداد اینگونه افراد بویژه در جامعه ها ، بسیار اندک بوده و این امر به تنهایی نمی تواند دلیل قانع کننده ای جهت لغو اجرای علنی کیفر به شمار آید.

#### ۴-۲-۵. عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات

اصل شخصی بودن مجازاتها بیانگر این است که مجازات تنها بر بزهکار اعمال شود و سایر افراد حتی خانواده و وابستگان بزهکار باید مصون از مجازات بمانند . برخی معتقدند که اجرای علنی کیفر با اصل شخصی بودن مجازاتها منافات دارد ، چرا که موجبات لکه دار شدن اعتبار و حیثیت خانوادگی اطرافیان بزهکار را فراهم آورده ، و در نتیجه دید اجتماع نسبت به آنها عوض شده و اینگونه طرز تلقی ها مشکلات فراوانی برای آنها ایجاد خواهند کرد.

لذا مسئولین اجرای احکام باید به این مسأله عنایت داشته باشند که افراد خانواده محکوم چه گناهی را مرتکب شده اند تا با اعدام فردی از اعضای خانواده آنان در انظار و ملاء عام ، احیاناً موجبات لکه دار شدن حیثیت خانوادگی آنان را فراهم می سازند؟ یکی از دیگر جرم شناسان در این زمینه می گوید : « بیندیشید برای کسان او که برای ابد داغ ننگ بر پیشانی دارند ، در میان خودخواهی ها و بی خبری ها و خونخواریها ، بیندیشید بر خون ننگی که بر خانواده پاشیده می شود و زایل شدنی نیست» (گودرزی پور، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

با توجه به فرهنگ حاکم بر شهرها و روستاهای کشور ما ، به جرأت می توان گفت که وقتی مجرمی در منظر عموم مورد مجازات قرار گرفته و خوار و سر افکنده شد و در بین همگان انگشت نما می گردد ، در آینده خود و بستگانش با چه مشکلاتی در زندگی روبرو شده و حتی این امر بر شغل و ازدواج آنها تأثیر منفی زیادی خواهد گذاشت.

از آنجا که اجرای علنی کیفرها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و می تواند آثار منفی بسیاری داشته باشد لذا نباید اجازه تصمیم گیری در این خصوص را به فردی خاص یا افرادی بدون صلاحیت و شایستگی لازم واگذار نمود . بنابراین صرفاً با استفاده از مطبوعات با توجه و عنایت به سابقه و شخصیت بزهکار بافت جامعه و

فرهنگ حاکم بر آن نوع جرم و میزان جریحه دار شدن احساسات و عواطف عمومی و بطور کامل شناخت مقتضیات زمان و مکان است که می‌توان در این مورد تصمیم مقتضی را به عمل آورد؛ تا از پدید آمدن آثار و پیامدهای منفی اجرای علنی کیفر، جلوگیری به عمل آید.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه از نص قرآنی و نظریات فقهی و تفسیری دریافت می‌شود، محدود به اجرای علنی مجازات جرم زناست که آن هم ناظر بر تأمین مصالحی چون بازدارندگی و تأکید بر قطعیت اجرای احکام شرعی بوده و در عصر خود کارساز بوده است؛ ولی امروزه اجرای علنی مجازات به طور کلی و مجازات‌های بدنی به طور خاص، با اصل اولی اجرای غیرعلنی مجازات و قواعد مهمی مثل وجوب حفظ حیثیت افراد، ممنوعیت مجازات مضاعف، حرمت تنفیر و حرمت وهن دین ممکن است در تعارض باشد؛ مصالح نهفته در اصول و قواعد اخیرالذکر منطقاً باید مقدم بر مصالح مورد نظیر در اجرای علنی باشند.

از آنجا که اجرای علنی مجازات براساس اسلوب و قواعد مشخص و سنجش‌پذیر بنا نشده است، به نظر می‌رسد که عملاً به بازدارندگی و کنترل جرایم منجر نشده است. شاید از همین روست که نشانه‌هایی از سزاگرایی، ابزارگرایی و عوام‌گرایی کیفری در آن قابل مشاهده است؛ مهم‌تر از اجرای علنی، تکیه بر معیارهای کیفردهی، مدرج کردن مجازات و نحوه اجرای آن‌ها بر پای اصول و مبانی علایی و تجربی است؛ بازنگری مجدد در نحوه تلقی و بردات از مبانی و مستندات شرعی و روایی اجرای علنی مجازات و بازاندیشی در فلسفه و اهداف مجازات از طریق مطالعات نظری و ارزیابی-های مستمر عملی و اجتناب از سیاست‌های شتابزده سزاگرایانه، ابزارگرایانه و عوام-گرایانه در این زمینه بسیار ضروری است. قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ماده ۴۹۹ بر مبنای این ملاحظات، ممنوعیت اجرای علنی مجازات را اصل و خلاف آن را استثناء و مستلزم وجود الزامات قانونی و مصلحت‌سنجی‌های قضایی کرده است.

در قصاص و مجازات‌های تعزیری و بازدارنده هیچگونه مبنا و دلیلی بر اجرای آنها در حضور مردم نداریم و لذا پیشنهاد می‌شود که حکومت اسلامی (مقام قانونگذاری) با استفاده از مطالعات جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی با توجه به شرایط

زمان و مکان و افکار عمومی و همچنین با توجه به شخصیت محکوم، در این خصوص اتخاذ تصمیم نماید.

می‌توانیم در سه مورد حدود، قصاص و تعزیرات، چنین نتیجه گیری کنیم: از آن جا که حدود (مانند حد زنا، حد شرب خمر، حد ارتداد و غیره) بیشتر در موارد حق الله مصداق دارد، قاعده این است که مجازات آن باید در ملا عام به اجرا گذاشته شود. از این رو همه موارد هشتگانه‌ای که در بحث «موارد مجازات علنی» ذکر می‌شود به حد اختصاص دارد، (البته در آن دسته از حدود مانند قذف که به حق الناس مربوط است این اصل جاری نیست) در قصاص نیز از آن جا که موارد آن در حق الناس مصداق دارد، اصل اولی آن است که حکم آن باید به صورت غیر علنی به اجرا گذاشته شود مگر این که مصلحت مسلمین، علنی بودن آن را اقتضا داشته باشد؛ در تعزیرات چون به جرائم کوچک و سبک مربوط می‌باشد و موارد آن هم در هر یک از حقوق الله و حقوق الناس می‌تواند مصداق داشته باشد و از طرفی کیفیت اجرای آن نیز مانند کمیت آن به نظر قاضی بستگی دارد، از این رو نمی‌توان اصلی مبنی بر علنی یا غیر علنی بودن در آن تاسیس نمود.

بسیاری از آثار و پیامدهای مثبتی را که به اجرای کیفر در ملا عام نسبت می‌دهند از قبیل ارعاب و بازدارندگی عمومی، نمایش قبح جرم به جامعه و پیشگیری از تعطیل کیفرها، شناساندن چهره واقعی بزهکار به افراد جامعه و حفظ و برقراری نظم و آرامش جامعه در واقع اغلب با اجرای نفس کیفر حاصل می‌شود نه با اجرای آنها در ملا عام؛ در اجتماعی که عوامل محرک و جرم آفرین به میزان قابل توجهی وجود دارد تهدید به مجازات بازدارندگی لازم را نداشته و عملی نادرست تلقی می‌شود. زیرا به هر نسبت که میزان عوامل محرک و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت به ضریب تحمل و ایستادگی افراد در برابر تحریکات جنایی و هواهای نفسانی کمتر می‌شود. و در واقع در چنین جامعه‌ای اجرای مجازاتهای سنگین و خشونت آمیز به هر صورت معدوم کردن معلول است نه علت به تعبیر دیگر مبارزه علیه بزهکار است بزهکاری تکرار اجرای کیفر در ملا عام در بلند مدت منجر به عادی شدن و از بین رفتن قبح اعمال می‌شودبعلاوه اثر ترغیبی و یا بازدارندگی ناشی از اجرای کیفرها در علن فقط بر مردمان عادی که گرایش کمتری به سوی ارتکاب جرم دارند مؤثر و

مفید واقع می‌شود لذا در افرادی که از اراده نیرومند و تحمل کافی در برابر تحریکات جنایی برخوردار نیستند و همچنین مجرمان حرفه‌ای و گانگسترها، که مجازات را به عنوان جزای خود می‌نگرند، اجرای مجازات در ملاء عام بازدارنده محسوب نمی‌شود. بطور کلی اقتضای یک سیاست جنایی سنجیده و کارآمد، عنایت و توجه کافی به، شخصیت انسانی و آزادی و حیثیت افراد فراهم آوردن زمینه و بستر مناسب برای استقرار دوباره مجرمین در جامعه و کاهش حساسیت نسبت به آنها در جهت بازپروری و از سرگیری حضور سالم بزهکاران در اجتماع می‌باشد.

در نتیجه مغایرت اجرای علنی مجازات‌ها با اهداف اصلاح و بازپروری، مغایرت با علت‌شناسی و آسیب‌شناسی رفتاری، بی‌تأثیری اجرای علنی در مورد نسبت به بزهکاران حرفه‌ای یا به عادت و بزهکاران هیجانی، افزایش حس انتقام‌جویی و شقاوت، موقت بودن اثربخشی، ایجاد تعارض بین نقش بازدارندگی و اصلاح، اثربخشی کاملاً متفاوت بر ناظران، همسان‌نگری به همه افراد جامعه با رویکرد تهدید و ارعاب، موجب شده تا سیاست جنایی ایران در قبال کیفیت اجرای مجازات، واجد خصیصه ابهام، سرگردانی، ناکارآمدی و فاقد برنامه ریزی دقیق و آینده‌نگری موجه و قابل قبول باشد.

با توجه به آثار و پیامدهای سوء فراوانی که از اجرای کیفر در ملاء عام ناشی می‌شود، جهت پرهیز از بروز این آثار، نباید اجازه تصمیم‌گیری در این خصوص را به افراد خاص یا افراد بدون آگاهی و تخصص کافی واگذار نموده، بنابراین پیشنهاد می‌شود که صرفاً در سایه ارزش نهادن به مطالعات و دستاوردهای نوین علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم مرتبط با موضوع و همچنین با توجه به نوع جرم به چگونگی ارتکاب آن و میزان جریحه دار نمودن عفت و احساسات عمومی و در نظر گرفتن افکار عمومی و فرهنگ حاکم بر جامعه، بافت اجتماعی، سابقه و شخصیت بزهکار، گرایش‌ها و احساسات مذهبی جامعه، و تطبیق و هماهنگی با کنوانسیونها و میثاقهای مربوط به حقوق بشر و مد نظر قراردادن بازتابهای بین‌المللی و بطور کامل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و مصالح اسلام و مسلمین تصمیم مقتضی اتخاذ شود و با تدوین آیین‌نامه و مقررات خاص، با توجه به تمامی ابعاد جوانب در این خصوص از بروز مشکلات و موانع و نیز دخالت سلايق شخصی دادرسان و سایر مجرمان کیفرها جلوگیری به عمل آید.

در نهایت با توجه به اینکه مجازات‌های علنی و یا در ملاء عام سال‌هاست در جامعه کیفری ایران وجود دارد و در گوشه و کنار خیابان‌ها و میدان‌ها عاملی برای تجمع و یا شبیه به صحنه تفریح شده است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد به جای دور زدن‌های باطل و هزینه بر جامعه با تشکیل نهادهای تخصصی در ارتباط با جرایم خاص به ریشه یابی کردن علت ارتکاب جرایم و جنایات به جای مجازات به طور علنی و یا در ملاء عام اقدام گردد.

### یادداشت‌ها

۱. واضح و روشن است که بحث از ارعاب و بازدارندگی بزهکار به عنوان یکی از آثار اجرای علنی کیفر صرفاً در مجازات‌های پایین تر از اعلام متصور است چرا که با مرگ بزهکار سخن از اثرگذاری کیفر بر وی منتفی است.

2. Filangieri
3. Adolphe Aberg.

### منابع

- ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰)، *اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام*، مجله رواق اندیشه، شماره ۶.
- استنفا، گاستون و ژورژ لوسوربرناربولک (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی* ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- اشکوری، سید علی حسین و دارابی، بهنام (۱۳۹۳)، *اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان، دو فصلنامه فقه مقارن*، سال دوم، شماره ۳.
- امیدی، جلیل و عطوف، حسینعلی (۱۳۹۴)، *اجرای علنی مجازات؛ توجیهات، تبعات، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دانشگاه تهران، دوره، شماره ۴ - ۵.
- باختر، احمد (۱۳۸۷)، *اجرای احکام کیفری در آیین قوانین و رویه قضایی*، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹)، *رساله جرائم و مجازات‌ها*، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ ششم.
- پرادل، ژان (۱۳۹۳)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.



خوانساری، سیداحمد (۱۳۹۴ ه.ق)، *جامع المدرک فی شرح مختصر النافع*، جلد پنجم، تهران، مکتبه الصدوق.

خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق)، *میانی تکلمه المنهاج*، جلد اول، نشر مدینه العلم.  
طوسی، ابن جعفر محمدبن الحسن بن علی (۱۳۹۰ ه.ق)، *النهایه فی مجردالفتوه و الفتاوی*، بیروت، دارالکتاب العربی.

شهیدثانی (۱۳۹۲)؛ *ترجمه و تبیین شرح اللمعه*، جلد نهم و سیزدهم، موسسه انتشارات دارالعلم.  
رشیدی لریستانی، طاهره (۱۳۹۰)؛ *بررسی جنبه‌های جرم‌شناختی اجرای علنی مجازات‌ها*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان تهران.

کی نیا، مهدی (۱۳۹۳)؛ *میانی جرم‌شناسی*، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.  
گسن، ریموند (۱۳۹۲)؛ *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، انتشارات مجد.  
گودرزی پور، فاطمه (۱۳۹۳)؛ *نقش علنی بودن دادرسی در جلب اعتماد افکار عمومی به سلامت و کارایی نظام دادرسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.  
مخدومان، بلال (۱۳۹۳)؛ *آسیب‌شناسی اجتماعی اجرای مجازات‌های خشونت‌آمیز در حقوق کیفری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۰)؛ *چشم‌اندازی بر حدود و اجرای علنی آن*، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال اول، شماره دوم.

مظلومان، رضا (۱۳۸۴)؛ *جرم‌شناسی (کلیات)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.  
مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (۱۳۸۲)؛ *مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری*، انتشارات قوه قضایی، چاپ اول.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)؛ *حقوق جزای بین الملل*، تهران، نشر میزان.  
نجفی توانا، علی، میلکی، ایوب (۱۳۹۲)؛ *بایدها و نبایدهای اجرای علنی کیفر*، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان.

نوفرستی، غلامرضا (۱۳۸۳)؛ *اجرای مجازات در ملاءعام*، مجله دانش پژوهان، شماره ۵، تهران.  
نهایزی، غلامحسین (۱۳۸۰)؛ *بهبینه سازی اجرای علنی حدود الهی و پذیرش فراگیر مردمی* (یادداشت سردبیر)، نشریه امنیت، ش ۲۳، سال پنجم.

هاشمی، سید علی (۱۳۸۸)؛ *اجرای علنی کیفر در حقوق ایران، فقه امامیه و مطالعه تطبیقی آن با حقوق فرانسه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق.

Donohue, J. J., Wolfers, J. (2004), *The Death Penalty: No Evidence for Deterrence*, *Economic Voice*.

Fagan, Jeffrey, Zimring, Franklin, Geller, Amanda (2006), *Capital Homicide and Capital Punishment: A Market Share Theory of Deterrence*, *Texas Law Review*.

Van Den Haag, E.; *Justice Deterrence and the death Penalty*, I J, R, Acker, R. M. Bohm, C. S, Lanier (eds) (2003), *American's Experiment with Capital Punishment*.